

گونه‌شناسی و تحلیل جرایم در تهران

با تکیه بر مجموعه کتاب «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم»

مرجان نگهی مخلص‌آبادی

استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: (۱۳۹۷/۰۵/۰۵) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۰۱/۱۷)

Typology and Analysis of Crimes In Tehran, In Accordance with the Book Series "Social History of Tehran in 13th Century"

Marjan Negahi Mokhlesabadi

Assistant Professor, Department of Law, University of Payam-e- Noor

Received: (2018. 07. 27)

Accepted: (2020. 04. 05)

Abstract

The selecting of Tehran as the capital of the Qajar dynasty, along with events such as the entrance of colonial countries, the movement towards modernity and World War II, faced the city with many social challenges, including increasing crime. The series of books "Social History of Tehran in the Thirteenth Century" written by Jafar Shahri is one of the relatively reliable first-hand sources for studying the social history of Tehran in the late Qajar and early Pahlavi periods, which addresses issues such as normal and delinquent behavior of ordinary people and their relations. Is. The main issue of this article is to examine the mentioned crimes from a criminological perspective.

In this regard, the content of the series of book has been examined from the criminological theories point of view through content analysis and descriptive-analytical method. The main subject of the article is the study of the typology of crimes in Tehran in those days and the analysis of the contexts and factors of committing crimes from a criminological perspective. The results of this study indicate the existence of crimes such as abuse of opium drug, intoxication, theft, fraud, bribery and extortion, murder, prostitution and child abuse in Tehran at that time; Factors such as poverty, unemployment, migration and corruption of the government and administrative system have been effective in the emergence and continuation of such crimes.

Keywords: Tehran, Ghajar, Pahlavid, Criminology, Typology of crime s and criminals

چکیده

انتخاب تهران، به‌عنوان پایتخت سلسله قاجاریه در کنار حوادثی چون حضور کشورهای استعمارگر، آشفتنگی اوضاع داخلی کشور، حرکت به سوی نوگرایی و جنگ جهانی، این شهر را با چالش‌های اجتماعی بسیاری از جمله افزایش ارتکاب جرایم رو به رو کرد. مجموعه کتاب شش جلدی «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم» تألیف جعفر شهری، از جمله منابع دست اول نسبتاً معتبر برای بررسی تاریخ اجتماعی تهران در اواخر دوره قاجاریه و اوایل پهلوی است که به بیان موضوعاتی چون رفتار هنجارمند و بزهکارانه مردم عادی و روابط میان آنها پرداخته است. مسئله اصلی این مقاله، بررسی جرایم مورد اشاره از منظر جرم‌شناسی است. در این راستا، محتوای کتاب از دیدگاه نظریه‌های جرم‌شناسی و با رویکرد تحلیل محتوا و شیوه توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. موضوع اصلی مقاله، بررسی گونه‌شناسی جرایم تهران در آن ایام و تحلیل زمینه‌ها و عوامل ارتکاب جرایم از دیدگاه جرم‌شناختی است. نتایج حاصل از این پژوهش، حاکی از وجود جرایمی مانند استعمال تریاک، شرب خمر، سرقت، کلاهبرداری، ارتشا و اخاذی، قتل، روسپی‌گری و کودک‌آزاری در تهران آن روزگار است؛ در پیدایی و تداوم این قبیل جرایم، عواملی چون فقر، بیکاری، مهاجرت و فساد نظام حکومتی و اداری مؤثر بوده است.

کلیدواژه‌ها: تهران، قاجاریه، پهلوی، جرم‌شناسی، گونه‌شناسی

جرایم و مجرمان

۱. مقدمه

یکی از منابع بااهمیت و مفصل درباره تاریخ اجتماعی تهران در اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی، را جعفر شهری (شهری‌باف) نگاشته است. شهری، در سال ۱۳۳۳ق در خانواده‌ای تهیدست در محله عودلاجان تهران به دنیا آمد. او، به دلیل فقر، تنها سه سال و به صورت غیرمستمر از آموزش رسمی بهره‌مند شد. از دوران کودکی، با اشتغال در حرفه‌هایی چون قصابی و دلاکی، به تحصیل و یادگیری در مکتب کوچه و بازار پرداخت (اشرف، ۱۳۷۴: ۳۸۶). تجربه زندگی زیسته شهری، دست‌مایه نگارش آثاری چندی چون رمان شکر تلخ، گزنه، تاریخ طهران قدیم و تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم شد. اثر اخیر جعفر شهری که عمدتاً بر اساس مشاهدات و شنیده‌های وی تدوین شده، مورد توجه برخی از پژوهشگران برجسته تاریخ اجتماعی و تاریخ تهران قرار گرفته است. برخی از صاحب نظران، کتاب ۵ جلدی طهران قدیم را مانند کتاب شش جلدی تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم دانسته‌اند. احمد اشرف (همان: ۳۶۸)، این کتاب را که در حجم تقریبی ۴۵۰۰ صفحه تدوین شده، بسیط و مکمل کتاب طهران قدیم می‌داند. خود شهری نیز، این دو کتاب را مستقل از هم، ولی مکمل یکدیگر دانسته است (شهری، ۱۳۷۰: ۶/۹). مجموعه کتاب تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، به زندگی مردم کوچه و بازار و مسائل مرتبط با عوام و اکثریت جامعه و زندگی اجتماعی طبقه حکومت‌شوندگان پرداخته است که در بسیاری از کتاب‌های تاریخی به آن توجه نشده است. شهری، نقادانه و گاه توأم با طنز، به بیان اوضاع اجتماعی و موضوعاتی چون

فرهنگ، اعتقادات و روابط اجتماعی مردم در جامعه شهری تهران در دوره زمانی فروپاشی حکومت قاجاریه و اوایل پهلوی پرداخته است.

مجموعه تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، با دو ویژگی بسترساز خوانش جرم‌شناسی است: ۱. رویکرد عینیت‌گرا و دقیق به روابط اجتماعی همراه با رفتارهای انحراف‌آمیز و مجرمانه؛ ۲. در برداشتن زندگی زیسته، دیده‌ها و شنیده‌های دوران کودکی تا بزرگسالی مؤلف در شهر تهران. بر اساس ویژگی دوم، می‌توان این مجموعه را از منابع دست اول و موثق تاریخ اجتماعی شهر تهران به‌شمار آورد. در این باره، خود مؤلف می‌نویسد:

در نوشتن این تاریخ... هرگز سر خود را در کتاب و نوشته‌ای نکردم... تا باعث اختلال در صحت و یقین دانسته‌هایم نگردد (شهری، ۱۳۶۹: ۴/۷۸۴).

همچنین توجه به این نکات، ضروری است: ۱. از آنجا که مطالب کتاب برگرفته از زندگی زیسته مؤلف است، برخی مباحث مشروح و مفصل و برخی نیز شرح و بسط کمتری دارد؛ ۲. بررسی جرم‌شناسی در این مقاله، صرفاً بر اساس محتویات مجموعه نامبرده است. از نتایج این پژوهش، برقراری پیوند میان تاریخ اجتماعی و جرم‌شناسی و بهره‌گیری از برخی دستاوردهای این نوشتار در جهت پیشگیری و مقابله با جرایم و تحقق اهداف عدالت کیفری است. در این پژوهش، به گونه‌شناسی جرایم و بررسی عوامل مؤثر در ارتکاب جرایم در جامعه شهری تهران در قرن سیزدهم پرداخته خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره پیشینه تحقیق، می‌توان به مقاله «بررسی

یا مترادف‌انگاری‌های صورت گرفته در کتاب شهری، برخی از جرایم در قسمت گونه‌شناسی، ذیل یک تقسیم‌بندی آمده است.

۳-۱- استعمال تریاک و شرب خمر

استعمال تریاک و شرب خمر، در دسته «جرایم بدون بزه‌دیده» قرار دارد. سیاست جنایی دولت‌ها درباره استعمال مواد مخدر، متأثر از مسائل سیاسی و عوامل اقتصادی حاکم بر روزگار آنها بوده است. به ادعای شهری، «در دوره صفویه، برادران شرلی با هدف استعمار، استعمار و سلطه بر ایران به ترویج و عمومیت یافتن استعمال تریاک در ایران دامن زدند...» در اواخر دوره احمدشاه قاجار نیز با هدف به خواب بردن مردم، استعمال تریاک بسیار رواج می‌یابد» (همان: ۶/ ۳۲۹، ۳۹۲) که پیر و جوان و کودک و بزرگسال دچار می‌شوند (نویسی، ۱۳۷۳: ۱۸). در یک پژوهش انجام شده، ضمن تأیید نسبی نظر شهری درباره شمار بسیار زیاد معتادان در زمان احمدشاه قاجار، به عنوان نمونه اشاره می‌کند که بیش از یک سوم جمعیت شهر کرمان، معتاد بودند (آقاجری، ۱۳۹۱: ۱۸). اگرچه، در اواخر حکومت احمدشاه استعمال تریاک ممنوع اعلام شد؛ اما ظاهراً، همچنان به تعداد معتادان و شمار شیرخانه‌ها، افزوده شد (شهری، ۱۳۷۰: ۶/ ۱۵۹). برخی منابع اواخر دوره قاجاریه از شیوع کشت تریاک گزارش‌هایی در اختیار ما قرار داده‌اند (دولت‌آبادی، ۱۳۱۸: ۲/ ۳۴۱، ۴/ ۲۹۵-۲۹۶؛ نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۱/ ۳۵، ۲/ ۳۹۷، ۳/ ۸۵۰؛ مخبرالسلطنه، ۱۳۸۵: ۳۸۱، ۳۹۵-۳۹۶؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱/ ۷۳۷، ۲/ ۱۲۰۱-۱۲۰۲، ۸/ ۵۹۵).

رضاشاه نیز در اوایل دوره پهلوی با هدف بهره‌گیری از نیروی کار افراد جامعه برای ساخت راه

جرایم اجتماعی در عصر قاجار» سیمین فصیحی اشاره کرد که براساس منابع تاریخی موجود برخلاف موضوع مقاله، به ارائه آمار جرایمی پرداخته است که در دسته جرایم اجتماعی قرار نمی‌گیرد. جهانبخش ثواقب، در مقاله «مجازات‌های عرفی در عصر قاجار» مجازات‌های رایج از ابتدای قاجاریه تا مشروطه را بررسی کرده است. منصوره اتحادیه، در کتاب *اینجا طهران است* به بررسی موضوع امنیت و پلیس در دوره ناصری پرداخته است؛ اما هیچ‌یک از منظر جرم‌شناسی تاریخی و بررسی عوامل زمینه‌ساز مؤثر در ارتکاب جرم به این موضوع نپرداخته‌اند. احمد اشرف، در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم»، خلاصه‌ای از محتوای کتاب ارائه نموده است. عباس میلانی، در مقاله «تهران و تجدد»، کتاب شهری را دارای ارزشی هم‌پایه امثال و حکم دهخدا دانسته است. از دیدگاه میلانی، شهری با نگاهی نوگرا و شیوه‌ای سنتی، به توصیف جامعه‌ای پرداخته که به زور در وادی نوگرایی پرتاب شده و شناختی درباره آن ندارد. نصرالله حدادی، در مقاله‌ای در مجله *بخارا* با عنوان «تهران شهری و تهران پاکزاد»، «از قلم زیبای شهری در موشکافی زندگی مردم و ترسیم کوچه و خیابان‌های تهران» نوشته است؛ با این وجود، پژوهشگران جرم‌شناسی توجه چندانی به موضوع تاریخ اجتماعی در ایران نداشته‌اند و تاکنون، پژوهشی درباره خوانش و نقد و بررسی محتوای کتاب نامبرده از منظر جرم‌شناسی صورت نگرفته است.

۳. گونه‌شناسی جرایم

با توجه به برخی ویژگی‌های مشترک در جرایم و

عنوان «جرایم مانع» صورت گرفت (ابرندابادی - حبیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۴، ۲۵). جرایمی چون استعمال مواد مخدر و مُسکّر و برخی رفتارهای پرخطر، می‌توانند زمینه‌ساز جرایم دیگر از جمله سرقت، تکدی‌گری و روسپی‌گری باشند (نجفی ابرندابادی، ۱۳۸۲: ۸۳۲). در میان طبقه فرودست جامعه قاجاریه، بیشتر اراذل و اوباش که به سرقت، لواط و قماربازی شهره بودند، خمر می‌نوشیدند (مته، ۱۳۹۸: ۲۶۱). گرایش به قمار در بین درباریان و کارگزاران حکومت نیز وجود داشته است (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱/ ۸۳، ۲/ ۹۰۳، ۶۴۰، ۷۳۸، ۷۹۹؛ کمره‌ای، ۱۳۸۴: ۱/ ۸۳، ۲/ ۹۰۳، ۹۸۵).

از موضوعات مورد توجه شهری در این کتاب، عوامل رواج استعمال تریاک و شرب خمر است. برخی از پژوهشگران، نظر شهری درباره نقش انگلیسی‌ها در رواج تریاک در ایران را برگرفته از اندیشه توهم توطئه دانسته و نقش عوامل روانی و اجتماعی در این امر را بیشتر دانسته‌اند (آقاجری، ۱۳۹۱: ۱۵، ۱۶). ظاهراً، رعایای فقیر در حال نشنگی، درد فقر و کاستی‌های زندگی را کمتر حس کرده و برخی نیز در این حالت، به التذاذ بیشتر می‌رسند. تصورات نادرست مردم از خواص شفا‌دهندگی و تسکین‌بخشی تریاک، تأثیر زیادی بر رواج آن داشته است؛ حتی برای خواب و آرامش بچه‌ها، به بعضی کودکان و نوزادان تریاک می‌دادند. همچنین به‌نظر می‌رسد وجود فساد در نظمی نیز بر رواج فزون‌تر مصرف تریاک و افزایش شمار اماکن استعمال تریاک (شیره‌خانه)، بی‌اثر نبوده است (شهری، ۱۳۶۹: ۶/ ۳۹۲). بیشتر شیره‌خانه‌دارها، از اراذل سرشناس یا زنان روسپی شهر بودند که با نظمی روابط دوستانه

آهن، تونل و غیره، اقدامات سخت‌گیرانه‌ای برای مقابله با اعتیاد اتخاذ نمود، با این وجود، همچنان شمار شیره‌خانه‌ها قابل توجه است (همان: ۳۹۰).

برخلاف رویه افزایش تعداد معتادان به تریاک، چنین به‌نظر می‌رسد که گرایش به الکل در زمان قاجاریه، رو به کاهش نهاده است. احتمالاً، شاهان و صاحب‌منصبان قاجار، تمایل به پرهیز از باده‌نوشی یا میان‌روی در این امر داشته‌اند؛ و یا به‌صورت پنهان، شرب خمر می‌کرده‌اند. برخی پژوهشگران، به باده‌نوشی مظفرالدین‌شاه در محافل خصوص اشاره کرده‌اند (مته، ۱۳۹۸: ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۱). گزارش‌های منابع تاریخی مربوط به اواخر دوره قاجاریه حکایت از رواج زیاد شرب خمر در بین متمولان و منصبداران قاجار دارد (امین‌لشکر قهرمان، ۱۳۷۸: ۱۲۰، ۳۳۳؛ نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۱/ ۳۲۶، ۳/ ۵۷۲؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۲/ ۱۱۲۳، ۱۲۴۳). به باور شهری، میزان مصرف شرب خمر تحت تأثیر سیاست، در دولت‌های مسلمان‌نما، ممنوع؛ و در دولت‌های متظاهر به آزادی، افزایش می‌یابد (شهری، ۱۳۶۹: ۶/ ۳۸۳). استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی، برای نخستین بار در قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ در ایران جرم‌انگاری شد. بر اساس ماده ۲۷۵ این قانون، برای استعمال علنی مواد مخدر از جمله هرویین، تریاک، شیره، چرس و نیز تجاهر به شرب خمر، مجازات حبس پیش‌بینی شد. در مبانی جرم‌انگاری استعمال مواد مخدر، به اصل اخلاق‌گرایی و قاعده منع اضرار به خود و دیگری اشاره شده است (آقا بابایی - رضایی، ۱۳۹۳: ۱۵). اولین بار در مکتب کلاسیک جرم‌شناسی، جرم‌انگاری انحرافات زمینه‌ساز ارتکاب جرم تحت

اعتیاد به تریاک پیامدهای ناگوار اجتماعی و اقتصادی به همراه داشت تاجایی که در دوره مشروطه بیشتر جمعیت‌ها و احزاب سیاسی در مرامنامه و اهداف خود و نیز برخی منابع به شکل ضمنی در آثار خود به مقابله با استعمال تریاک اشاره می‌کردند (کوهی کرمانی، ۱۳۲۴: ۷۱؛ دولت آبادی، ۱۳۱۸: ۳/۲۵۸، ۴/۲۹۵-۲۹۶). معتاد به تریاک، با تن‌پروری و بیکارگی، موجب فقر بیشتر خانواده می‌شود؛ فقرا، علاوه بر تحمل شرایط قحطی و گرانی، به خرج مضاعف تریاک نیز گرفتار می‌شدند (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۴۰۶). برخی از معتادان به تریاک و مسکر به دلیل مقروض بودن، یا به روسیه متواری شده یا خواهر، دختر یا همسر خود را می‌فروختند (آقاجری، ۱۳۹۱: ۲۹). بعضی نیز، برای تهیه مواد مخدر، همسر و فرزندان خود را به روسپی‌گری، سرقت و جرایم دیگر وادار می‌کردند. حتی امکان دارد فرد معتاد تهیدست برای تهیه مواد، مرتکب جرایمی چون سرقت و قتل شود. افراد جامعه، به‌ویژه اعضای خانواده فرد معتاد، نیز در دسته «افراد در معرض خطر» قرار می‌گیرند. این افراد، به دلیل ویژگی‌هایی چون سن، ناتوانی و محیط خانوادگی، به‌صورت بالقوه در معرض خطر «بزه‌دیدگی» هستند. همچنین اعتیاد، موجب کاهش منزلت اجتماعی می‌شده است: به تریاکی، کار، زن و قرض نمی‌دادند؛ با او، معامله و معاشرت نمی‌کردند. به او، خانه اجاره نداده و در خانه او، سکونت نمی‌کردند؛ او را مسخره کرده و متلک می‌گفتند (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۴۰۶، ۴۰۷).

براساس نظریه «برچسب‌زنی»، جرم و انحراف، برچسبی است که بر رفتارهای مغایر با ارزش‌های مورد حمایت حکومتگران و قدرتمندان زده می‌شود.

داشته و مالیات پرداخت می‌کردند. شیرخانه‌ها هم برای اداره‌کنندگان آنها و هم برای نظمیه، بسیار سودآور بوده است (همان: ۱۵۹).

دیگر عامل مؤثر، در دسترس بودن و فراوانی مواد مخدر است. افراد، با استعمال تریاک، کم‌کم به شیرخانه‌ها راه می‌یابند؛ و به‌مرور، رفتن به شیرخانه‌ها، به «فعالیت روزمره» و «سبک زندگی» بدل می‌شود. در سبک زندگی، توجه بیشتر بر فعالیت‌های شغلی و اوقات فراغت افراد است. اوقات فراغت، ساعاتی است که فرد فارغ از الزامات شغلی، به زندگی خانوادگی و اجتماعی مشغول است (صالح‌آبادی - سلیمی، ۱۳۹۱: ۶۴). ویژگی روانی افراد و توجیهاتی مانند تکمیل حال خوب و یا کم کردن پریشانی و اندوه نیز در گرایش به شرب خمر مؤثر است (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۳۸۳). شارب‌ان خمر و مسکر، با استفاده از نظریه «فنون خنثی‌سازی متزا» رفتاری که نادرستی آن را قبول دارند، موجه نشان داده و از شرمساری خویش می‌کاهند (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۹۴). برخی از شارب‌ان خمر، با بیان اینکه علت حرمت خمر دشواری بازشناسی میخواره فتنه‌انگیز از غیرفته‌انگیز بوده است و یا با بهره‌گیری از اشعاری چون «گویند بهشت و حور و عین خواهد بود / آنجا می‌ناب و انگبین خواهد بود» و یا «شراب بهشت شرابا طهورا» به موجه جلوه دادن شرب خمر و استعمال تریاک می‌پرداختند (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۳۸۴). شهری، درباره عوامل شرب خمر می‌نویسد:

تندی و گزندگی شراب، یادآور زندگی فلاکت‌بار و گاز و نیشگون مادر مهربان به لب و لپ کودک است (همان: ۶/۳۸۶).

محدوده‌های جغرافیایی، نرخ ارتکاب جرم بالاتری دارد. شیره‌خانه‌ها، میخانه‌ها، اماکن فساد و فحشا از نقاط جرم‌خیز داغ به‌شمار می‌آیند (Weisburd, 2004: 62).

پیامد دیگر اثرگذاری اعتیاد و حضور مداوم در شیره‌خانه، افزایش نرخ بزه‌دیدگی و بزهکاری است. تازه‌واردان به شیره‌خانه‌ها، طعمه‌های مرئی، در دسترس و جذاب برای معتادان مجرب بزهکار هستند. بزهکاران مراجعه‌کننده به شیره‌خانه‌ها نیز، امکان افزایش بزه‌دیدگی‌شان فراهم است. گهگاه، در میان بزهکاران تضاد منافع ایجاد شده و به حذف رقیب یا هم‌گروه اقدام می‌کنند. حتی ممکن است مجرم برای ناشناخته ماندن، مرتکب جرم دیگری مانند قتل شود (محمد نسل، ۱۳۸۶: ۳۰۸، ۳۰۹). به‌علاوه، براساس اصول فرصت جرم، یک جرم مانند سرقت می‌تواند شرایط ارتکاب جرایم دیگر مانند اختفای مال مسروقه یا خرید و فروش آن را به‌وجود آورد. در مدل جامع فعالیت روزمره، حتی به عامل نگرهبان ناکارآمد، مکان و مدیر نیز توجه می‌شود (Skubak Tillyer, 2011: 181). به این ترتیب، دایرکنندگان و مدیران شیره‌خانه‌ها، در شمار افراد معارض با قانون و هنجارهای اجتماعی قرار دارند. از آنجا که نگرهبان و محافظ کارآمدی در شیره‌خانه‌ها حضور ندارد، شیره‌خانه‌ها، مکان ملاقات بزهکاران و عرضه تریاک است. ساترلند در نظریه «معاشرت‌های ترجیحی»، روند تبدیل یک فرد پای‌بند به ارزش‌های اجتماعی به فرد غیرهمنوا با این ارزش‌ها را از طریق ارتباط متقابل با فرد یا گروه بزهکار یا منحرف، پذیرش ارزش‌های گروه و در نهایت، یادگیری رفتار مجرمانه تبیین می‌کند.

برچسب «تریاک‌ی»، با بدنام‌سازی افراد، بر زندگی اجتماعی، قضاوت‌های دیگران و خودانگاره‌های فردی اثر مخرب داشته و رهایی از هویت مجرم را دشوار می‌کند. برچسب‌زنی، می‌تواند به تداوم بزهکاری و اعتراض به جامعه در قالب انتقام‌گیری منجر شود (نجفی‌توانا، ۱۳۸۹: ۷۸). نظریه فعالیت روزمره، ارتکاب جرایم را بیشتر متأثر از فعالیت‌های افراد در مدت روز می‌داند و به وضعیت ذهنی و پیشینه آنان توجه چندانی ندارد (بیات و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۱). این نظریه، تقارن زمانی و مکانی سه عامل «بزهکار بانگیزه»^۱، «آماج یا بزه‌دیده مناسب»^۲ و «فقدان محافظ کارآمد» را در وقوع جرایم نقش‌آفرین می‌داند (Marcumet, 2010: 415). نظریه فعالیت روزمره و سبک زندگی، کاربرد زیادی در تحلیل عوامل مؤثر بر بزهکاری و بزه‌دیدگی دارد؛ زیرا در مواردی، بزهکاران نیز به دلیل سبک زندگی و فعالیت روزمره‌شان بزه‌دیده و قربانی جرم می‌شوند (خواجه نوری - خجسته، ۱۳۹۱: ۹۱). «نظریه فعالیت روزمره»، رفتارهای فردی را برگرفته از انتخاب، هنجارها و فعالیت‌های زندگی روزمره می‌داند. رفت و آمد مکرر به شیره‌خانه‌ها موجب آشنایی با خرده‌فرهنگ بزهکاری و جهت‌گیری رفتارهای روزمره به‌سوی موقعیت بزهکاری یا بزه‌دیدگی می‌گردد. این نظریه، قابل تسری به «کانون‌های جرم‌خیز» است (وینفری، ۱۳۸۸: ۸۰). کانون جرم‌خیز، به ساختمان، بخش کوچکی از محله، منطقه یا شهر گفته می‌شود که در مقایسه با سایر

1. A Likely & Motivated Offender
2. A Suitable Target

مرج‌های ناشی از شرب خمر افراد مست در تهران پرداخته شده است (مته، ۱۳۹۸: ۹۸؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۸۷۹/۱).

۲-۳. ارتشاء و اخاذی

ارتشاء، بیشتر در روابط میان عناصر دولت با ملت دیده می‌شود. شهری، به ارتشاء نظمی و کمیسری و نقش آنها در فراهم ساختن زمینه‌های ارتکاب جرم، ترویج و تسهیل جرایمی چون سرقت، روسپی‌گری و قماربازی اشاره دارد. به نوشته شهری شیره‌خانه‌ها، فاحشه‌خانه‌ها و عرق‌فروشی‌ها، از طریق پرداخت مالیات و پیشکش اموال مسروقه به نظمی، منبع درآمد نظمی بودند.

(۱۳ شهری، ۱۳۶۹: ۱۶۰/۶، ۱۶۱). نظمی، در قبال دریافت پیشکش و مالیات، از انجام وظیفه قانونی در مبارزه با جرم و فساد امتناع می‌کرد. نظمی‌چی‌ها مهمان بزم‌های شبانه میرزا علی‌اکبر تقی، جیب‌بر معروف، بوده‌اند (همان: ۲۳۴/۶). خانه‌های شهرنو، امن‌ترین جا برای تن‌فروشی بود. در صورت شکایت، کمیسری محلی صحنه جرم را با مخفی کردن زن و مرد از بین می‌برد و برای صاحبان این خانه‌ها، حکم براءت صادر می‌شد (همان: ۲۹۹، ۳۰۰). فعالیت قمارخانه‌ها نیز غیرقانونی بود؛ اما قمارخانه‌های مشهور با پرداخت رشوه، مورد حمایت کمیسری‌ها و آژان‌ها بودند (همان: ۲۶۳، ۲۶۴). منابع این دوره، گزارش‌های شهری را از این حیث تأیید می‌کنند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۹۶۶/۳، ۱۹۸۱؛ کمره‌ای، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۸، ۱۹۰).

ارتشاء، یکی از جلوه‌های بارز فساد گسترده و

مشتریان شیره‌خانه‌ها، مرتکب جرایمی چون تبانی، معاونت در جرم و خرید و فروش اموال مسروقه می‌شوند. حضور مداوم افراد در شیره‌خانه‌ها، به تدریج به پذیرش ارزش‌های گروه منحرف و بزه‌کار و در نهایت، فراگیری جرم و انحراف منجر می‌گردد. براساس نظریه «کنترل اجتماعی»، رابطه مستقیم بین وابستگی به دیگران و درونی‌سازی هنجارها وجود دارد. وابستگی قوی به دوستان بزه‌کار و منحرف، به افزایش گرایش به ارتکاب بزه و انحراف می‌انجامد (Young - Rees, 2013: 165).

علاوه بر این، بیشتر شیره‌خانه‌ها، در محلات پایین شهر و در زاغه‌هایی قرار داشتند که ساکنان آنها، مهاجران تهیدست بودند. همچنین نقش عواملی چون مهاجرت و به‌دنبال آن حاشیه‌نشینی در ارتکاب جرایم مشهود بوده است. شیره‌خانه‌ها، محل گرد هم‌آیی و تبانی سارقان برای ارتکاب جرم و شور و مشورت آنها درباره شیوه‌های جدید سرقت و قاچاق، اختفای اموال مسروقه و خرید و فروش آنها نیز هست. از شواهد بارز این امر، آنکه رئیس برخی شیره‌خانه‌ها، سرکرده مال‌خران بوده است (شهری، ۱۳۶۹: ۱۶۱/۶).

شهری ضمن اشاره به رواج قابل‌توجه شرب خمر در اواخر قاجاریه و عهد پهلوی اول، از جمله پیامدهای شرب خمر را ایجاد اختلال در عملکرد مغز و قوه تعقل می‌داند. او از جوانانی یاد کرده که پس از شرب خمر، به عربده‌کشی و نزاع پرداخته و حتی در برخی موارد مرتکب ضرب و جرح و قتل شده‌اند (شهری، ۱۳۶۹: ۳۸۵/۶). در پژوهش‌های انجام شده و نیز در منابع این دوره، به هرج و

سوءاستفاده از اعتبار و قدرت نهادهای عمومی کشوری، لشکری و خدماتی در جهت اهداف و منافع شخصی است که اغلب با نقض قانون از طریق بوروکراسی انجام می‌شود (lee - Guven, 2013: 1). ارتشاء یا رشوه ستاندن، عبارت است از گرفتن وجه، مال یا سند تسلیم وجه یا مال از طرف مأموران دولت یا کارکنان شاغل در نهادهای عمومی برای انجام دادن یا انجام ندادن وظیفه مرتبط با شغل (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۴۱۶). گزارش‌های منابع تاریخی این دوره، وجود ارتشاء در عدلیه و ادارات را یادآور شده‌اند (کمره‌ای، ۱۳۸۴: ۳۲۲/۱؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۶/۴۸۸، ۱۰/۷۹۹۷؛ در محضر شیخ فضل‌الله نوری، ۱۳۸۵: ۱/۲۰۲؛ میرزا حسین‌خان، ۱۳۸۲: ۳۰۳). از منظر جرم‌شناسی مارکسیستی، عوامل محیطی، روانی و شخصیتی، اداری و سازمانی فساد در جامعه تولید و بازتولید می‌شود. البته پیروان نظریه کارآمدی، فساد را روان‌کننده چرخ‌های خشک بروکراسی و هزینه پرمفعت کسب و کار می‌دانند (فرجیها - جوادی، ۱۳۹۳: ۲۵۱).

شهری، درباره نقش ارتشاء در ارتکاب سایر جرایم به سارقان معروفی با نام‌های احمد یه‌دست، حسن سیمرغ، اصغر میمون و غلام چپول اشاره کرده که به دستور نظمی سرقت می‌کردند (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۲۱۸، ۲۱۹). چگونگی اثرگذاری فساد موجود در نظمی بر ارتکاب جرایم، براساس نظریه «انتخاب عقلانی» چنین تحلیل می‌شود: بزهکار ابتدا سود و زیان حاصل از ارتکاب جرم مانند میزان خطر دستگیری توسط نظمی و اعمال مجازات را می‌سنجد و در صورتی که سود آن بیش از زیان

باشد، مرتکب جرم خواهد شد. بنابراین، «سارقان خانه‌بر» که با اطلاع نظمی اقدام به سرقت کرده و سهم آنها را می‌پردازند، میزان خطر دستگیری و اعمال مجازات را اندک دیده و ارتکاب جرم سرقت برای‌شان سودآور می‌شود. اخذ رشوه در میان نواقلی‌ها (دروازه‌بان‌های شهر) نیز رایج بود. با توجه به اینکه عبور و مرور از این دروازه‌ها تنها در ساعاتی از روز مجاز بود، تردد خارج از ساعات مقرر به منظور رد کردن کالای قاچاقی چون پارچه، تریاک یا بنگ، تنها با پرداخت رشوه به مأموران ذی‌ربط امکان داشت (شهری، ۱۳۷۰: ۱۸، ۱۹، ۲۲).

جعفر شهری، ضمن اشاره به هرج و مرج ایران اواخر قاجاریه و بی‌مسئولیتی احمدشاه و عملکرد ناعادلانه عوامل حکومتی با مردم، می‌نویسد:

... هیچ‌کس با جان و مال و ناموس خود، ایمن نبود... هر کس... زورش می‌رسید، می‌توانست اجحاف کند؛... نظمی،... اگر هر یک از ثروتمندان را در حال باده‌نوشی یا در کنار روسپیان درباری گیر بیاندازد، مجبورشان می‌کند تا نظر موافق او را با صرف هزینه‌های گزاف بخرند...؛ باده‌فروشان، سارقان و مردان و زنان هرزه، می‌بایست به‌طور منظم مبلغی بابت حق‌السکوت می‌پرداختند (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۳۲۸).

رودی مته، ضمن تأیید نسبی نظرات جعفر شهری، آورده است که ده درصد از عواید فروش غیرقانونی مشروبات، به کلانتری‌ها تعلق می‌گرفت. داروغه‌ها، خشن، بی‌رحم و رشوه‌خوار بودند؛ حکم ممنوعیت شرب خمر نیز، با پرداخت پول خریداری می‌شد (مته، ۱۳۹۸: ۲۷۱). اخاذی و باج‌گیری، جرمی علیه امنیت اجتماعی بود و با روش‌های

تعریف کرده است.

شهری، به گونه‌شناسی سارقان نیز، توجه داشته است. او، سرقت را در دسته «مشاغل غیرمجاز» آورده است. سارقان، با توجه به تخصص‌شان، اغلب اموال خاص را سرقت کرده و از روش‌های ویژه استفاده می‌کردند. دزد طلا و جواهر، با دیدن فرش و ... وسوسه نمی‌شد، چون طلا و جواهر اصل و فرع را می‌شناخت و می‌دانست آن را به کجا برده و به چه کسی بفروشد و چکارکند تا دستگیر نشود (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۲۶۹). گروهی از دزدان شب‌رو، برای شناسایی خانه‌ها به‌عنوان «آب حوض کیش» یا «برف‌روب» داخل خانه‌ها شده و پس از شناسایی، از آنجا سرقت می‌کردند (همان: ۸۳). جعفر شهری، سارقان را به «خانه‌بر، جیب‌بر، کف‌رو، دخل‌زن، کیف‌انداز، بغچه‌گردان و سارق چهارپایان» دسته‌بندی کرده و به‌شرح چگونگی سرقت آنها می‌پردازد:

«سارقان خانه‌بر»، پس از انتخاب خانه و مال مورد نظر، با بررسی شغل ساکنان، تعداد ساکنان، حضور یا عدم‌حضور آنها، محل خواب ساکنان، ورودی و خروجی و تعداد آن، راه‌های فرار از دیوار یا بام، وجود پشت‌بند در، استحکام قفل، نیاز یا عدم نیاز به ابزار برای شکستن قفل، درباره‌ی باصرفه‌بودن این سرقت، تصمیم‌گیری می‌کردند (همان: ۲۱۶، ۲۱۷).

«سارقان کف‌رو»، به‌بهانه خُرد کردن اسکناس به افراد مراجعه می‌کردند. آنگاه پس از شمارش پول خُردها، منصرف شده یا همدستش صدایش می‌زد. کف‌رو، پول خردها را برمی‌گرداند و اسکناسش را پس می‌گرفت. در جریان این تبادل، مقداری از سکه‌ها را کف می‌رفت و یا در حین تبادل پول خرد

خسونت‌آمیزی چون زورگیری، تهدید به‌افشای سرّ، و آسیب به جان و مال، به‌انجام می‌رسید. بر اساس ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، تهدید به افشای سرّی که پنهان ماندنش برای فرد اهمیت داشته باشد، اخاذی است و مرتکب، به مجازات شلاق یا حبس محکوم خواهد شد. شهری، از نوعی اخاذی با نام «حق راه» نام برده و می‌نویسد:

برخی از لات و لوطها و گردن کلفت‌ها، حق راه می‌گرفتند و راه را بر قافله‌ها می‌بستند و مجبورشان می‌کردند که با پرداخت پول اجازه استفاده از راه را به‌دست آورند (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۳۳۹).

۳-۳. سرقت و کلاهبرداری

اگرچه مقنن، تعاریف جداگانه‌ای از جرم سرقت و کلاهبرداری ارائه می‌دهد؛ شهری، این دو جرم را ذیل عنوان واحد «سرقت» آورده است. او، دراویشی که با ادعای آموزش کیمیاگری، جیب افراد را خالی کرده و یا جنس بدل را به جای طلا می‌دادند را «سارق» نامیده است (همان: ۶/۲۴۲، ۲۴۳). در جرم کلاهبرداری، رفتار مجرم، «تحصیل مال غیر» با «توسل به وسایل متقلبانه» و رفتار سارق، «ربایش مال غیر» است. به‌علاوه، در جرم کلاهبرداری تسلیم مال به کلاهبردار، بارضایت مال‌باخته و در نتیجه اغفال و فریب صورت می‌گیرد اما سرقت، فاقد این خصیصه است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۸۲، ۸۳). سرقت، یکی از قدیمی‌ترین جرایم علیه اموال است. براساس ماده ۲۲ مجموعه قوانین حمورابی، برای سارق، مجازات مرگ پیش‌بینی شده است (همان: ۲۳۹). قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در ماده ۲۶۷، سرقت را «ربودن مال متعلق به‌غیر»

خودش و اسکناس دیگر، مقداری از سکه‌های خودش را کف می‌رفت (همان: ۲۳۶).

«سارقان دَخل‌زن»، وارد مغازه شده و کالایی دور از دست فروشنده را مطالبه می‌کردند. سپس، همدستش می‌آمد و کالای دیگری می‌خواست. زمانی که فروشنده می‌رفت تا کالا را بیاورد، نفر دوم، دخل روی پیشخوان را خالی کرده و می‌گفت می‌روم تا سرت خلوت شود؛ نفر اول هم، به‌ظاهر پشیمان می‌شد و می‌رفت. در این شیوه از سرقت، حضور زنان بزهکار نیز به چشم می‌خورد. حتی برخی از زنان جوان نیز با شگردهایی، «دخل‌زنی» می‌کردند؛ آنها، سوار تاکسی شده و ضمن راه انداختن شیون و فریاد، پول می‌طلبیدند و می‌گفتند اگر پول ندهی، تو را متهم به بی‌ناموسی خواهیم کرد (همان: ۲۳۹).

«سارقان کیف‌انداز»، کیف پول به‌ظاهر پُری را در کوچه می‌گذاشت و پنهان می‌شد تا عابری آن را بردارد. در آن هنگام، به عابر نزدیک می‌شد و با هم کیف را باز کرده و پُر از پول می‌بینند؛ او، می‌گوید چه پول زیادی؛ خدا، روزی‌رسان است؛ به جای خلوت، رویم و آن را تقسیم کنیم. عابر که تمام پول‌های کیف را می‌خواهد، پولی از خودش به سارق می‌دهد و او را روانه می‌کند؛ مدتی بعد، عابر متوجه می‌شود که کیفی پُر از کاغذ یافته که تنها روی آن، اسکناس است (همان: ۲۴۰-۲۴۳).

«سارقان بَقچه‌گردان»، طعمه خود را فردی روستایی انتخاب می‌کردند که محصولش را در شهر فروخته است. دو نفر، بقچه‌ای را با لباس‌های گرانقیمت نشان داده و به‌خرید ترغیبش می‌کنند. اما

سرانجام، بقچه‌ای از لباس‌های بی‌ارزش تحویل می‌دهند (همان: ۲۴۵).

«سارق چهارپا»، حیوان ربوده‌شده را با استفاده از روش مال‌خران و دلال‌ها، در محله‌ای دور از محله ربودنش به‌فروش می‌رساندند. در آن روزگار، ابتدا خرهای مورد استفاده برای تردد روضه‌خوان‌ها را به‌عنوان «خرهای نوکر امام حسین»، اغلب بدون بستن و بدون نگهبان در کوچه رها می‌کردند؛ چون باورشان این بود که آنها را نمی‌دزدند؛ اما به‌تدریج، ربودن این خرها هم رواج یافت (همان: ۲۷۲).

شهری در تبیین سرقت‌ها، به تأثیر رفتار مال‌باخته بر وقوع جرم سرقت و اماکن جرم‌خیز توجه می‌کند. او، از سارقی می‌نویسد که در ایستگاه قطار، زنی را دیده که از کیفش پول بیرون می‌آورد؛ آنگاه، او را تعقیب کرده و کیف را از دستش ربوده و سرکوره‌ها می‌برد (همان: ۲۳۱-۲۳۳). بر اساس نظریه «شتاب‌دهندگی در بزه‌دیدگی»، برخی ویژگی‌ها و یا اقدامات بزه‌دیده مانند: رفتار و گفتار تحریک‌آمیز (فحاشی، توهین) و یا بی‌احتیاطی و مراقبت نکردن (نشان‌دادن پول داخل کیف)، می‌تواند به تحریک و جلب توجه مجرم و شتاب در بزه‌دیدگی منجر شود (بیگی - یزدانی، ۱۳۹۸: ۱۴۸). علاوه بر این، در نظریه فرصت‌جُرم، ایستگاه راه‌آهن، مکانی شلوغ و پُرتردد و در نتیجه، دارای فرصت‌های ارتکاب جرم است. با افزایش فرصت جرم، احتمال وقوع جرم افزایش می‌یابد و بالعکس. جیب‌بر و کیف‌قاپ، معمولاً برای سرقت، اماکن شلوغ و پُررفت و آمدی مانند ایستگاه راه‌آهن و بازار را انتخاب می‌کند.

از منظر حقوق کیفری، یکی از مراحل تکوین

عبدالباقی... با دیدن جسد کبوترش، شکمش را سفره می‌کند. حسین بی‌دماغ... با بند رخت... خود را دار می‌زند...؛ قزاق... با شلیک گلوله در دهانش، خود را می‌کشد (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۲۷۷).

آزار حیوانات، مصادیق بسیاری دارد از جمله: در قفس نهادن پرنده‌ها، از بین بردن لانه، کندن سر گنجشک‌ها، سوزاندن موش‌ها، سنگسار سگ‌ها (همان: ۳۷۴). گاه، برخی از سارقان که نمی‌توانستند حیوانی را برابیند، اندام حیوان را بریده و می‌ربودند؛ و به این ترتیب، حیوان زجر بسیار می‌کشید (همان: ۲۷۶). شهری، مراسم «شتر قربانی» در جشن عید قربان، را که به شیوه نامناسبی انجام می‌شد حیوان آزاری دانسته است. به فرمان ناصرالدین‌شاه در روز عید قربان، شتری آراسته را در میدان توپخانه می‌گرداندند. آنگاه، یکی از ملازمان با نیزه، گلی شتر را هدف قرار می‌دهد؛ سپس، بقیه با چاقو به حیوان زنده حمله کرده و بخشی از گوشت بدن حیوان را بریده و در جیب خود می‌گذاشتند (شهری، ۱۳۷۰: ۱/۴۰۷؛ و نیز: عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱/۳۸۰، ۱۹۰۵/۳، ۲۲۵۴).

حیوان آزاری از منظر «جرم‌شناسی گونه‌های جانوری»، عبارت است از هر فعل یا ترک فعل عمدی و یا سهوی که موجب آزار جسمانی، احساسی یا روانی حیوانات شود؛ مانند ایراد آسیب‌های جسمانی عمدی، نگهداری حیوانات در شرایط نامناسب، بی‌توجهی به نیازهای اساسی حیوانات، به‌جنگ انداختن حیوانات (مشکات، ۱۳۹۸: ۱۷۹؛ آقابابایی - خانعلی‌پور: ۱۱۱). این شاخه از جرم‌شناسی، موجودات زنده غیرانسانی را در

جرم، عملیات مقدماتی است. به این ترتیب، مجرم پس از انتخاب بزه‌دیده، به تهیه وسایل و طرح نقشه برای چگونگی ارتکاب جرم می‌پردازد (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۳۱۵). بر اساس نظریه «انتخاب عقلانی»، تمام رفتارهای انسان از جمله ارتکاب جرم، بیانگر افزون‌بودن منافع فعل بر ترک فعل است (Beker, 1968: 172). مجرم، آگاهانه و با حسابگری و در راستای منافع شخصی، رفتار مجرمانه را برمی‌گزیند. «مکتب کلاسیک» جرم‌شناسی، مجرم را فردی آزاد، مختار و انتخابگر و در نتیجه، دارای مسئولیت کیفری می‌داند. از موضوعات مورد توجه مجرم در انتخاب رفتار مجرمانه، بررسی احتمال دستگیری و شدت مجازات است. بنابراین، مکتب کلاسیک بر قطعیت و حتمیت مجازات‌ها تأکید دارد (نجفی‌توانا، ۱۳۸۹: ۱۲۸، ۱۳۲). از عوامل تأثیرگذار بر ارتکاب جرایم اتفاقی، وجود «فرصت» است. کوهن^۱ و فلسون^۲، نظریه‌پردازان فرصت، بر این باورند که بسیاری از افراد، تمایل، توان و آمادگی ارتکاب جرم را دارند و با پیدایش فرصت، دست به ارتکاب جرم می‌زنند.

۴-۳. حیوان‌آزاری

مسابقات کبوترپرانی در اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی، گاه با آزار حیوان همراه می‌شد. گاه، کبوترباز بازنده در اوج خشم و عصبانیت، سر تمام کبوترهای خود و یا کبوترهای مورد علاقه رقیب را از تن‌شان جدا می‌کرد. گاه، این عمل خشن، به خودکشی صاحب کبوتر منجر می‌شد.

روسی‌ها، به کمیسری و آزان‌ها رشوه می‌دادند (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۲۸۶).

به باور او، پادشاهان قاجاریه در مقابله با روسپی‌گری و فحشا، افراط و تفریط داشته‌اند. در زمان مظفرالدین‌شاه، یک زن یا مرد روسپی نباید در شهر دیده می‌شد؛ در حالی که پسرش محمدعلی‌شاه، برای سربازان و قاطرچی‌هایش در میدان توپخانه، بساط زن‌بارگی و می‌گساری فراهم کرده بود. در زمان احمدشاه، بیرون ماندن گوشه چشم زن از چادر موجب مجازات شوهر یا سرپرست او می‌شد، اما روابط پنهانی فسادآمیز میان زن و مرد، به‌اندازه قابل توجه وجود داشت (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۲۹۸، ۲۹۹). در بررسی دیگر عوامل حکومتی مؤثر بر روسپی‌گری و تداوم آن در عهد قاجاریه، باید گفت که روسپی‌ها، منبع درآمد حکومت بودند. در دوره ناصری، درآمد سالانه کشور از روسپی‌گری، چهارده هزار تومان بوده است. حتی برخی مقامات رسمی نیز، از روسپی‌ها اخاذی می‌کردند (مقدم، ۱۳۹۵: ۹۴). عین‌السلطنه نیز به موضوع دریافت رشوه توسط نظمییه از روسپیان، اشاره کرده است (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۳/۱۹۸۱). عامل حکومتی مؤثر دیگر، استفاده ابزاری از روسپی‌ها برای سرکوب مشروطه‌خواهان بود؛ مانند سازمان‌دهی تظاهرات زنان روسپی برهنه در تهران، با شعار حق آزادی و سبک زندگی خارج از قیود مذهبی بر اساس قانون اساسی (مقدم، ۱۳۹۵: ۹۶، ۹۷؛ دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۲/۱۶۰).

شهری، وجود زمینه فساد و برخی عوامل مختلف دیگر را در پیدایی و رشد روسپی‌گری مؤثر می‌داند. وی در تبیین زمینه اجتماعی فساد و عوامل مؤثر حکومتی و غیرحکومتی در روسپی‌گری، می‌نویسد:

دسته بزه‌دیدگان سیاست‌ها و جرایم نهادهای دولتی و غیردولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی قرار می‌دهد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۵: ۲۰). با توجه به اینکه حیوانات برای قرن‌ها مملوک انسان بوده‌اند، این شاخه حقوقی در تلاش بوده تا به کاهش رنج و درد حیوانات مدد رساند (آقابابایی - خانعلی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

۳-۵. روسپی‌گری

روسی‌گری، رابطه جنسی خارج از زنجیره ازدواج است که با هدف کسب منافع مادی و در مواردی کسب لذت انجام می‌شود (وروایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۳۴). برخلاف «رویکردهای فمینیستی لیبرال» که مخالفتی با روسپی‌گری ندارد، «رویکرد فمینیستی مارکسیستی» مخالف با هرگونه ستم و بهره‌کشی از زنان بوده و روسپی‌گری را از مصادیق فحشای عمومی کارگران می‌داند (مکنون - آشتیانی، ۱۳۸۴: ۳۴). رویکرد اخیر، عواملی چون قدرت مردان و تقاضای روابط جنسی آنان و نیز ضعف جایگاه زنان در جامعه را در روسپی‌گری مؤثر می‌داند. روسپی‌گری به‌عنوان حرفه و تجارتي مذبوم ولی سودآور، در جوامع گذشته وجود داشته است.

شهری، روسپی‌ها را به دو دسته غیررسمی و رسمی تقسیم می‌کند. روسپی‌خانه‌ها، نقاط داغ جرم‌خیز هستند. روسپی‌های رسمی، در روسپی‌خانه‌های شهرنو، کوچه قجرها، سرکوره‌ها، پشت خندق‌ها و چاله سیلابی، ساکن بودند. چاله سیلابی، محله‌ای در جنوب تهران بود که مهاجرهای فقیر در آلونک‌های آن زندگی می‌کردند. همچنین

حاشیه شهر رانده شده‌اند. عدم جذب در مقصد و به حاشیه رانده شدن، به عدم همبستگی با محیط و نهایتاً افزایش نرخ ارتکاب جرم منجر می‌شود. همچنین، مهاجرت با کاهش کنترل اجتماعی، به افزایش جرایم توسط افراد مهاجر می‌انجامد. در «نظریه آنومی»، فرد از روشی آسان چون روسپی‌گری برای غلبه بر فقر و کسب جایگاه اجتماعی استفاده می‌کند. در نظریه «یادگیری اجتماعی»، معاشرت با افراد روسپی، به یادگیری روسپی‌گری منجر می‌شود. در نظریه «برچسب‌زنی»، الصاق انگ «روسپی» بر فرد، به انزوا، کاهش منزلت و سرمایه اجتماعی و کسب هویت روسپی منجر شده و او را به معاشرت با روسپی‌های دیگر سوق می‌دهد (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۰، ۷۱).

شهری، ضمن اشاره به روش‌های کسب درآمد و جلب مشتری و ارتکاب جرم روسپی‌ها، به تلاش برخی از آنها برای ناشناس ماندن پرداخته است. به آورده وی (۱۳۶۹: ۶ / ۲۸۳)، برخی زن‌ها، برای ناشناس ماندن و تعقیب‌نشدن، پوشش خود را تغییر داده، لباس‌های رنگین پوشیده و آرایش‌های غلیظ می‌کردند. همچنین بعضی زنان و مردان به ظاهر آبرومند، به عزب‌خانه‌های محلات دور از خانه آمد و شد داشتند (همان: ۱۶۸). نظریه «سفر مجرمانه»، بر مسافتی تأکید دارد که مجرم برای ارتکاب جرم طی می‌کند. مجرم، همواره تلاش بر رعایت اصل «ناشناس بودن» دارد. زیرا، گمنامی و دوری از سکونتگاه و آشنایان هزینه ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد. از منظر نظریه «کنترل اجتماعی» نیز، ناشناس بودن افراد و مهاجرت به کاهش کنترل اجتماعی و

تشویق فاسد به فساد، آزادی عمل... عامل...، عدم مجازات...، اثریت فقیر بی‌سواد، فکر منحرف، جاه‌طلب و تجمل‌پرست، ناتوانی در پاسخ‌گویی به نیازهای جسمانی، سرپرست و راهنمای دلسوز و فهیم نداشته باشد، راستی دین را از او گرفته باشند. یا اجازه‌نامه‌ای به اسم آزادی در راستای سیاست ترویج علنی فحشا و آموزش آن از طریق فیلم، کتاب مجله به وجود می‌آید (شهری، ۱۳۶۹: ۶ / ۲۸۱)

عین‌السلطنه نیز درباره گرایش برخی دختران تحصیل‌کرده دیپلمه تهرانی به فحشا در این دوره گزارشی در اختیار ما نهاده است (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۶ / ۴۸۱۷).

برخی از محققان ضمن تأیید برخی نظرات شهری، آورده‌اند که بسیاری از روسپی‌های عهد قاجار، زنان بیوه یا ره‌اشده متعلق به طبقات پایین جامعه، بردگان خانه ثروتمندان، افراد متکدی و برخی خواننده یا رقصنده درباری بودند (مقدم، ۱۳۹۵: ۹۳، ۹۴). بیشتر زندگی روسپی‌ها، تجربه خشونت، محرومیت اقتصادی، اجتماعی و عاطفی است (Menzes, 2016: 343, 339). شهری، مجموعه عوامل محیطی و سرشتی را در روسپی‌گری مؤثر می‌داند. برخی از روسپی‌ها، افراد مهاجر، فقیر، روستایی یا از خانه رانده‌شده و برخی دیگر، افرادی هوس‌باز، تنبل، تجمل‌پرست، بی‌هنر و بی‌کار یا بدگوهر و زشت سیرت هستند (شهری، ۱۳۶۹: ۶ / ۲۸۲؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۹ / ۷۰۸۵-۷۰۸۶).

مطابق «نظریه فشار»، مهاجرت از عوامل مهم اثرگذار بر روسپی‌گری در مناطق مهاجرپذیر است. بیشتر مهاجرها، روستائیان فقیر جویای کار و به

زمینه‌سازی روسپی‌گری می‌انجامد. مطابق این نظریه، کاهش منزلت و سرمایه اجتماعی، موجب کاهش تعهد و هم‌نوایی فرد با هنجارهای جامعه و حرکت شتابان در سراشیبی روسپی‌گری خواهد شد. به‌علاوه، روسپی‌گری می‌تواند از طریق کاهش اخلاق‌مداری، تنزل جایگاه اجتماعی، اختلالات روانی و بی‌ثباتی هیجانی، زمینه‌ساز ارتکاب جرایم دیگر شود (انصاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۲).

مصاحبه، یکی از روش‌های تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی است. با وجود عدم مصاحبه شهری با روسپی‌ها، وی با آوردن برخی نوشته‌های روی دیوار روسپی‌خانه‌ها در کتاب خود، اطلاعات مفید و دست‌اولی درباره علل و چگونگی بزه‌دیدگی زنان و برخی مردان ارائه کرده است. در دیوار نوشته‌ای آمده: «منو... شوهر گول زد، آوردم اینجا». به نوشته شهری، شوهری ابتدا شغلی محبوب و پردرآمد بوده؛ اما کم‌کم، شوهرها با سوء استفاده از موقعیت خود به اغفال دختران و پسران، تعرض و یا فروش آنها به روسپی‌خانه و یا سرقت اثاثیه اقدام می‌نمودند (شهری، ۱۳۶۹: ۱ / ۳۷۷). در دیوار نوشته‌ای دیگر، آمده: «دوازده ساله بودم ... به پیرمرد ۷۰ ساله شوهرم دادند... فرار کردم؛ خاطرخواه پسری شدم... پدرم منو آورد اینجا... فروخت». شهری با آوردن این مطلب، به موضوع ازدواج دختران کم سن با مردان پیر و عواقب آن به‌عنوان یکی از عوامل روسپی‌گری توجه نموده است. در دیوار نوشته‌ای دیگر، آمده: «شوهرم می‌گفت... برای من پول بیاری... حالا... این کار را می‌کنم... برای خودم پول درآرم...؛ خویشم، بی‌سیرتم کرد و باردار شدم... خانم به دادم رسید (شهری، ۱۳۶۹: ۱۳۶۹ / ۶). با آوردن این دیوار نوشته، توجه به رواج

تریاک و افزایش شمار معتادان فقیر و نیز جرایم مرتبط با تهیه مواد مخدر از جمله تن‌فروشی و فروش زنان و دختران مورد توجه قرار گرفته است. در دیوار نگاشته‌ای دیگر، ذکر شده:

شهرنو... بدبختم کرد که حالا پسر حاجی تخمه-فروشی بکنه!؛ استخونش هرزه بود...؛ بُردم، نیگهش داشتم؛ قرضاشو، دادم؛ زندگی خوب، براش جور کردم؛ دوباره برگشت، سر جاش... (همان: ۲۹۷).

دیوار نگاشته‌های مورد اشاره، گویای ایفای نقش هم‌زمان عوامل محیطی و ذاتی بر پیدایی پدیده روسپی‌گری است. بر اساس رویکرد «روان‌شناسی تحقیقی»، ویژگی‌های روانی فرد، عامل مؤثر در ارتکاب جرایم است؛ بزه‌کار، خشن، بی‌عاطفه، شهوت‌پرست و مسئولیت‌ناپذیر است. برخی پژوهشگران اثرگذاری عواملی چون خانواده، فقر، بیکاری، اعتیاد و ویژگی‌های روانی چون عقب‌ماندگی ذهنی، شخصیت مرزی، اسکیزوفرنی و اختلالات دوقطبی و به‌ویژه اختلال شخصیت ضداجتماعی بر روسپی‌گری را مورد تأکید قرار داده‌اند (ایزدی - ضرغامی، ۱۳۹۳: ۲۲۷؛ انصاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۲)، در این قبیل اختلالات، بیمار در پیوند با جامعه ناتوان بوده و بدن‌بال لذت‌های آنی چون اعتیاد و روسپی‌گری است. در نتیجه، روسپی تنها با تغییر محیط اجتماعی و ایجاد رفاه مادی به ترک روسپی‌گری نخواهد پرداخت.

در وقوع جرم، سه عامل مقتضی، شرط و فقدان مانع لازم است. فقر یا نیاز جنسی، نقش مقتضی را ایفا می‌کند. رضایت، بزه‌دیده مناسب یا به‌عنف یا وجود مشتری، در مقام شرط؛ و عدم ترس، شرم و

شدن دیگر مناطق می‌شود. در نظریه «فضای قابل دفاع»، اماکن دارای راه‌های فرار، فاقد امکان «دیده و شنیده شدن»، و نیز فاقد رونق زندگی، به عنوان فضاهای ناامن و بدون دفاع و آماده برای بزهکاری تلقی شده‌اند (حاتمی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۹-۷۰). این قبیل فضاها، از منظر «انتخلاب عقلانی»، به دلیل کاهش خطر دستگیری، کفه ترازوی ارتکاب جرم را سنگین می‌کنند.

۳-۶. قتل

قتل، سلب حیات از انسان زنده بدون مجوز قانونی و جنایت خشونت‌آمیز علیه تمامیت جسمانی بشر است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۸۹، جنایات را به سه دسته «عمدی»، «شبه‌عمدی» و «خطای محض» تقسیم نموده است. قتل، با سبق تصمیم یا متأثر از عوامل محرک روانی و بیرونی چون شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع صورت می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۱۹۰).

شهری، ضمن اشاره به قتل‌های در حال مستی، زن‌بارگی و حوادث رانندگی و حوادث دیگر و ذکر برخی دلایل وقوع آنها، آورده که بعضی قاتلان با دادن باج و توسل به توصیه، از مجازات خلاصی یافته‌اند؛ از جمله، قتل کارگر توسط ارباب یا «استادکار» که بیشتر در میادین بار و میوه اتفاق می‌افتاد: «یکی از ارباب میدان‌ها، سه فقره قتل عمد انجام داده بود؛ ولی با باج و توصیه، خلاص شده بود» (شهری، ۱۳۶۹: ۱/ ۵۲۵). یکی از قتل‌های پرسر و صدا مورد اشاره جعفر شهری، قتل یک روسپی شهرنو (به‌نام اشرف) است:

وجدان اخلاقی یا عدم حضور ناظر، به‌عنوان فقدان مانع عمل می‌کند. روسپی‌گری معامله‌ای میان روسپی و مشتری و گاهی مالک روسپی‌خانه، مدیر یا قواد است (Wagenaar, 2017: 195, 196). براساس آمار رسمی، تهران دارای ۳۵۰ زن قواد و ۶۰ مرد قواد بوده است اما شهری آمار واقعی را بسیار بالاتر می‌داند (شهری، ۱۳۶۹: ۶/ ۳۰۶).

شهری، به سیاست و عملکردهای ناکارآمد حکومت در مقابله با روسپی‌گری نیز توجه کرده است. به عنوان نمونه، حکومت پهلوی اول با تخریب ساختمان حرمسرای قاجاریه و بیرون کردن زنان و دختران ساکن آنجا، موجب پراکنده شدن آنها در شهر و ایجاد محله «شهر نو» شد که به تدریج محل سکونت روسپی‌ها گردید. در سال ۱۳۲۰ نیز به دستور زاهدی، نخست وزیر وقت، ورود و خروج از این محله تحت کنترل دولت درآمد و موجب گسترش خانه‌های فساد و عذب‌خانه‌ها در سایر نقاط شهر شد. به مرور، محله «شهر نو» به مکان تجمع معتادان، قاچاق‌فروشان، دزدان، مال‌خران و دست‌فروشان تبدیل گردید (همان: ۳۰۰، ۳۰۱).

نظریه «پیش‌گیری اجتماعی»، با تأکید بر دیدن کافی نقش عوامل اجتماعی در ارتکاب جرم و پرهیز از اقدامات ظاهری و سطحی، راه‌کارهایی به‌منظور سالم‌سازی محیط‌های آلوده به فساد و انحراف ارائه می‌کند. به این ترتیب، حکومت‌ها برای مقابله با روسپی‌گری باید به اقدامات اساسی برای زدودن فقر و بیکاری بپردازند. براساس «مکتب شیکاگو»، تخریب اماکنی چون حرمسراها و روسپی‌خانه‌ها و بیرون راندن ساکنان، سبب ناامنی و مستعد بزهکاری

والدین بدون توجه به آینده بچه و سواد و تربیت او، بچه‌دار می‌شدند. بچه‌های لخت و عور، از یکی دو سالگی در خاک و گِل و لجن لولیده و به‌همین ترتیب، بزرگ شده و لات و بیکار و انگل و هرزه، جزو اکثریت می‌شدند (شهری، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۷۰، ۲۷۴).

شهری در جایی دیگر می‌نویسد:

اشقیاء، جهانگشایان، مهاجمان و اشرار، بدون پدر و مادر بزرگ شده یا پدر و مادرهای خشن و بی‌محبت داشته یا عقده‌ای و تحقیر شده بودند (همان: ۴۸۱).

همچنین، از خانواده پُریچه و شرور «قشه رشه» در محله «صابون‌پزها» نام می‌برد که در بزرگسالی، در طمع اموال به مهاجمان و غاصبان کشور پیوستند (همان‌جا).

در مقطع زمانی مورد اشاره در کتاب شهری، موضوع «حقوق کودک» تقریباً ناشناخته بود. در دوره قاجار، نرخ مرگ کودکان طبقه کارگر، به‌دلیل

علی‌شاه، درشکه‌چی تُرک، با عنوان دل‌باختگی از او باج می‌گیرد و به‌مرور، بر مبلغ آن می‌افزاید؛ تا جایی‌که باعث آزار و اذیت اشرف شده و او، به مرد دیگری پناه می‌برد. درشکه‌چی، به بهانه خیانت، گوش و بینی اشرف را بریده و چشم‌هایش را کور کرده و به‌قتل می‌رساند (شهری، ۱۳۶۹: ۱/ ۳۰۱).

نظریه «فعالیت روزمره»، علت ارتکاب جرایم را ناشی از فعالیت روزانه می‌داند (بیات و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۱). جرم، رویدادی متأثر از تلاقی سه عنصر زمان، مکان و آماج مجرمانه ویژه است. با کنار هم قرارگرفتن عامل بزه‌کار بانگیزه، هدف مناسب و فقدان نگهدارنده در یک زمان و مکان و نیز رفتار پرخطر، احتمال وقوع جرم و بزه‌دیدگی افزایش می‌یابد. درشکه‌چی که از طریق اخاذی ارتزاق می‌کند و روسپی که رفتاری پرخطر انجام می‌دهد، در مکانی فاقد نگهدارنده و تحت سلطه مدیران مجرم و خطرناک در کنار یکدیگر قرارگرفته و وقوع جرم را قابل پیش‌بینی می‌کند.

۳-۷. کودک‌آزاری

شرایط زندگی و تربیت کودکان و تأثیر این امر و نیز رفتار والدین بر شخصیت و آینده کودکان، از دیگر نکات مورد توجه جعفر شهری بوده است. شهری، پدرش را مردی خشن و فاسد معرفی کرده که در دوران کودکی، او و مادرش را بی‌سرپرست رها می‌کند. به نظر می‌رسد توجه او به شرایط کودکان متأثر از زندگی زیسته دوران کودکی اوست. وی، رشد و پرورش کودک در محیط خانوادگی به‌سامان و پُر مهر را، مانع انحراف بچه و ارتکاب جرم می‌داند:

۱. توجه به حقوق کودکان، پس از انقلاب صنعتی (نیمه دوم قرن ۱۸ و نیمه اول قرن ۱۹ میلادی) و استثمار و به‌کارگیری کودکان در کارخانه‌ها در شرایط بسیار غیرانسانی و دشوار، به‌تدریج مورد توجه برخی جوامع قرار گرفت؛ به‌دنبال این امر، بعد از مدتی، حقوق کودکان در اسناد بین‌المللی و قوانین بعضی کشورها به‌رسمیت شناخته شد. سازمان ملل «کنوانسیون حقوق کودک» را در سال ۱۹۸۹م/ ۱۳۶۸، تصویب کرد و این نقطه عطف این تحول بود. در ایران نیز در سال ۱۳۸۱ با تصویب قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، «کودک‌آزاری» جرم‌انگاری شد. به این ترتیب، هرگونه آزار و اذیت کودکان و نوجوانان که موجب صدمه جسمانی، روانی و اخلاقی شده و یا به سلامت جسمانی یا روانی آنها آسیب رساند، ممنوع و موجب تعزیر اعلام گردید. از موارد کودک‌آزاری، می‌توان به آسیب‌های جسمانی، جنسی، روانی، بی‌توجهی به کودکان، عدم تحصیل، کار کودکان و مواردی چون ازدواج در سن کودکی اشاره کرد.

کنار امام‌زاده‌ها یا روی سکوی مساجد، احتمالاً از پیامدهای کودک همسری بوده است (شهری، ۱۳۶۹: ۲/۳۰۲).

یکی دیگر از موارد کودک‌آزاری، استثمار کودکان برای بهره‌گیری جنسی بوده است. ظاهراً سن روسپی‌گری بسیار پایین بوده است. در محلات بالای شهر، دختران ۱۲ یا ۱۳ ساله تا ۲۰ ساله را به خدمت می‌گرفتند و در محلات پایین‌شهر، زنان بین سن ۳۰ تا ۴۵ ساله مورد استثمار جنسی قرار می‌گرفتند. زنان و دختران اغوا یا ربوده شده را نیز در روسپی‌خانه‌ها به فروش می‌رساندند (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۲۹۱). یکی از شیوه‌های اجبار دختران و پسران کم‌سن و سال برای استثمار جنسی، معتاد کردن آنها بوده است (همان: ۳۹۲).

از موارد کودک‌آزاری جسمانی و ناشی از غفلت والدین، می‌توان به کورکردن چشم کودکان، کشتن آنها با فرو کردن سوزن در ملاح با هدف انتقام‌گیری هووها از یکدیگر، کور و شل کردن بچه‌ها برای تکدی‌گری، و غرق‌شدن برخی کودکان در حوض و آب‌انبارها به دلیل غفلت پدر و مادرها، اشاره کرد (شهری، ۱۳۶۹: ۱/۴۸۷، ۴۸۸، ۵۲۶).

۴. گونه‌شناسی مجرمان

شهری، مجرمان را به «مجرمان بالفطره» و «عادی» و نیز «حلال‌زاده و حرام‌زاده» و «یقه سفید» تقسیم کرده و برای هر دسته، ویژگی‌های روانی و رفتاری خاصی را قائل شده است:

۴-۱. مجرم بالفطره و عادی

شهری، مجرمان بالفطره را دارای ویژگی‌های

بیماری‌های مُسری و سوء تغذیه بسیار بالا بود. این کودکان، از دوران خردسالی به کار در کارگاه‌های قالی‌بافی و یا کار در مزرعه، نگهداری از فرزندان کوچک‌تر خانواده و یا خدمتکاری در خانه‌های ثروتمندان گمارده می‌شدند. حتی در بعضی از مناطق کشور، به دلیل فقر و مالیات سنگین، کودکان را به‌عنوان برده به فروش می‌رساندند (مهدوی، ۱۳۹۳: ۱۳۶، ۱۵۵). کودکان در عهد قاجاریه، «دوران کودکی» کوتاهی داشتند. دختران، در هفت سالگی نامزد شده و چند سال بعد، ازدواج می‌کردند. کودکان درباری نیز، باید مانند بزرگسالان رفتار کرده و مثل آنها لباس می‌پوشیدند. به عنوان مثال، شاهزاده عباس میرزا در هشت سالگی، در یک لشکرکشی حضور یافت (همان: ۱۵۴، ۱۵۷).

از منظر جرم‌شناسی، کودک‌آزاری می‌تواند به ادامه چرخه «کودک بزه‌دیده - بزه‌کار بزرگسال» منجر شود. بی‌توجهی به نیازهای تحصیل و رشد اجتماعی کودک، موجب بی‌سوادی و بیکاری وی در دوران بزرگسالی می‌گردد. بیکاری، یکی از عوامل اثرگذار بر ارتکاب جرایم، است. علاوه بر این، «کودک‌همسری»، در مواردی به مرگ مادر در هنگام زایمان و بی‌سرپرست شدن نوزاد منجر می‌شد. به نوشته شهری (۱۳۶۹: ۱/۲۸۶)، «دختران بسیار کم‌سن فقیر را، به پیرمردان پول‌دار می‌دادند تا از آنها بهره‌جسته و رهایشان کرده و سراغ طفل دیگری روند» (شهری، ۱۳۶۹: ۱/۲۸۶). ازدواج اجباری دختران کم‌سن فقیر با مردان پیر، به دلیل برآورده نشدن نیازهای جسمانی و عاطفی آنها، بعضاً موجب گرایش به روابط خارج از ازدواج، روسپی‌گری، فرار از خانه و سایر جرایم می‌شد. رها کردن تعداد زیادی از نوزادان نامشروع

جسمانی و روانی خاص می‌داند:

جیب‌بر، از خانه‌بر بی‌رحم‌تر است...؛ جیب‌بر، هرچه در جیب است می‌برد...؛ خانه‌بر، بعضی از اموال را می‌برد. حلال‌زاده و حرام‌زاده، هر دو مرتکب دزدی... و قتل می‌شوند...؛ حلال‌زاده، حداقل اعتدال را رعایت می‌کند؛ حرام‌زاده، ... با اره سر می‌برد و چشمش را کور می‌کند و دست و پا و گوش و زبانش را می‌برد؛ اما حلال‌زاده، فقط او را می‌کشد... (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۲۲۵، ۲۲۶).

به نظر شهری، جیب‌بر بالفطره، قد بلند، پیشانی کوتاه، لپ فرورفته، سرکوچک یا خربزه‌ای دارد و انگشت‌های دستانش، با تمرین، یک‌اندازه شده است. سایر مجرمین فاقد این ویژگی‌ها بوده و در دسته مجرمان عادی قرار گرفته و بیشتر جمعیت کیفری را تشکیل می‌دهند (همان: ۲۲۷، ۲۲۸).

جرم‌شناسان از مدت‌ها پیش به نقش عوامل جسمانی و روانی در ارتکاب جرم توجه کرده بودند. در جرم‌شناسی زیستی، ویژگی‌های سرشتی و جسمانی مانند ژن‌ها از طریق انتقال خصیصه‌های زیستی و اختلال در کارکرد خود، بر رفتارهای انسان از جمله جرم و انحراف اثر می‌گذارد (Barkan, 143: 2009). رویکرد زیست‌شناسی اثباتی سنتی، را سزار لمبروز با تأثیر گرفتن از نظریه «تکامل داروین» بنیان نهاد. او، با به‌کارگیری واژه‌های «آتاویسم» یا «بازگشت عادات نهفته نسل‌های پیشین» (Reid, 89: 2003) و «بربریت»، بزه‌کاری را بازگشت به زندگی انسان‌های تکامل نیافته (Burke, 2009: 65) و ددمنشی و خون‌ریزی نیاکان می‌داند (کی‌نیا، ۱۳۸۲: ۹۳). لمبروز، با طرح موضوع «تیپ جنایی»، مجرم را دارای ویژگی‌های جسمانی ویژه و قابل‌شناسایی از

غیرمجرم می‌داند. مغز افراد بزهکار، بزرگ‌تر از مغز افراد غیرمجرم است؛ بزهکاران، ابروی پهن دارند و بلندقامت‌اند و پای چپ‌شان از پای راست‌شان بلندتر است. قاتل، نگاه سرد و بینی غُقابی دارد. آنها، افرادی خشن، بی‌عاطفه، شهوت‌پرست، غیرمسئول و نامتعهد هستند. به باور او، مجرم بالفطره فردی اصلاح‌ناپذیر است و باید دور از جامعه نگهداشته شود (گسن، ۱۳۸۵: ۱۵۸). شلدون نیز، افراد «مزومورف» را دارای بدنی عضلانی و قوی، با اعتماد به نفس، هیجان‌طلب و دارای تمایلات مجرمانه بیشتر از دیگران می‌داند (نجفی توانا، ۱۳۸۹: ۶۹-۷۱).

۴-۲. مجرم یقه‌سفید

واژه «مجرم یقه‌سفید» را اولین بار ساترلند استفاده کرد. مجرم یقه‌سفید، افزون‌طلب، دارای جایگاه اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی بالا است و با سوء-استفاده از موقعیت شغلی‌اش، مرتکب جرم می‌شود. در مقابل او، مجرم یقه‌آبی (چرکین) قرار دارد (سلیمی، ۱۳۸۷: ۲۴۱، ۲۴۵). از ویژگی‌های جرایم یقه‌سفیدها، ایجاد بی‌اعتمادی در جامعه و رواج بی-اخلاقی و بی‌سازمانی اجتماعی است (محمدحسینی - قورچی‌بیگی، ۱۳۹۴: ۱۲). قربانیان قحطی‌های مصنوعی و مواد مخدر در زمان قاجاریه، از جمله بزه‌دیدگان جرایم یقه‌سفیدها هستند.

از نکات جالب توجه در کتاب شهری، به-کارگیری عبارت «دزدی تمیز و کتیف» است: ... هر امری، تمیز و کتیف دارد؛ دزدی هم...؛ چنانچه اتومبیلی... چراغ خطرش را بزرگ‌تر کند و قیمتش را بالا می‌برد... دزدی تمیز است که مالباخته از آن استقبال می‌کند... دزدی کتیف، مثل اینکه... شمع‌ساز از نخ شمع بدزدد که روشن

نشود... الی آخر...؛ این، نوع کثیف دزدی است که ستمش بیشتر به بی‌ساز و نوها و فقرا می‌رسد...؛ هرکس مطابق شغل و مقام و توانایی و اینکه چقدر از دستش برآمده، از او ساخته شود... (شهری، ۱۳۶۹: ۶/۳۳۳).

۵. نتیجه

اطلاعات مجموعه کتاب *تاریخ اجتماعی تهران* در قرن سیزدهم، عمدتاً مربوط به برهه زمانی اواخر قاجار و اوایل پهلوی و عمدتاً مبتنی بر دیده‌ها و شنیده‌های مؤلف است. دورانی که ایران شاهد فساد حکومتی و رویدادهایی چون قحطی و خشکسالی، بیماری‌های مسری کشنده، گسترش تجارت جهانی و نفوذ استعمار و جنگ جهانی اول است. این رویدادها، به افزایش فقر، بیکاری و مهاجرت افراد زیادی منجر شده بود. تهران، پایتخت و یک جز از کل ایران، شاهد جرایمی چون استعمال تریاک و شرب خمر، سرقت و کلاهبرداری، ارتشاء و اخاذی، قتل، روسپی‌گری و کودک‌آزاری است. برخی از این جرایم، در مقاطع بعدی تاریخ تهران و سایر شهرها نیز قابل مشاهده است. علت‌شناسی بزه‌دیدگی و بزهکاری، از موضوعات محوری در علم جرم‌شناسی است. این موضوع، در قالب بررسی زیست‌بوم بزهکاران و منحرفین اجتماعی، از نقاط پیوند میان تاریخ اجتماعی و جرم‌شناسی به‌شمار می‌آید. تحلیل محتوایی کتاب، بیان‌گر نزدیکی دیدگاه نویسنده با گوشه‌هایی از اندیشه‌های برخی از جرم‌شناسان است. نقش عواملی چون فقر، بیکاری، مهاجرت و فساد در ارتکاب جرایم در کتاب شهری و بسیاری از پژوهش‌ها، به اثبات رسیده است. فساد در نظمیه،

در ارتکاب جرایمی چون سرقت و گسترش فعالیت‌های روسپی‌خانه‌ها و شیره‌خانه‌ها، نقش‌آفرین بوده و ارتشاء و اخاذی، در لایه‌های مختلف جامعه ریشه دوانیده بوده است. اقدامات مقطعی مسئولان حکومتی وقت در مقابله با برخی جرایم چون روسپی‌گری، ناکارآمد بوده و بعضاً به توزیع بزهکاران در سراسر شهر منجر شده است. برخی از عوامل ناکارآمدی این اقدامات عبارتند از: بی‌توجهی به زدودن عوامل زمینه‌ساز جرایم از جمله، فقر و بیکاری. به‌علاوه، اقدامات مؤثری مانند مقابله با فقر و بیکاری، آموزش حرف و مهارت‌های زندگی نیز اتخاذ نمی‌شود. او، به زندگی حکومت‌شوندگان و در مواردی حکومت‌گران، بزهکاران و منحرفینی پرداخته است که مدت‌هاست چشم از جهان فرو بسته‌اند. با این وجود، در گذر تاریخ، برخی از عوامل زمینه‌ساز ارتکاب جرایم، تولید و بازتولید می‌شود و جانی تازه بر پیکر جرایم می‌دمد؛ لذا مطالعه این قبیل سوابق تاریخی، در زمینه دستیابی به عوامل بزهکاری و بزه‌دیدگی جامعه ایرانی و بومی‌سازی علم جرم‌شناسی در جهت اتخاذ تدابیر و راهکارهای اساسی همه‌جانبه و کارآمد و مبتنی بر شرایط جامعه برای برطرف ساختن عوامل زمینه‌ساز مسئله اجتماعی جرم، اهمیت شایانی دارد.

منابع

آقابابایی، حسین؛ رضایی زادفر، بهناز (۱۳۹۳). «جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر در پرتو اصل پدرسالاری حقوقی». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*. دوره ۱. شماره ۱. ص ۱-۲۱.

آقابابایی، حسین؛ خانعلی‌پور، سکینه؛ انصاری، اسماعیل

- (۱۳۹۵). «حقوق حیوانات در سنجه جرم‌شناسی انتقادی گونه‌های حیوانی». پژوهشنامه حقوق کیفری. سال ۷. شماره ۲ (شماره پیاپی ۱۴). ص ۱۰۵-۱۲۹
- آقاجری، سید هاشم و دیگران (۱۳۹۱). «علل رواج اعتیاد در جامعه عصر قاجار و آثار اجتماعی آن». *مطالعات تاریخ اسلام*. سال ۴. شماره ۱۲. ص ۱-۲۱.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی*. تهران: نشر میزان.
- اشرف، احمد (۱۳۷۴). «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم». کلک. فروردین تا تیرماه. شماره ۶۱-۶۴. ص ۳۶۸-۳۷۶.
- امین لشکر قهرمان (۱۳۷۸). *روزنامه خاطرات*. تهران: اساطیر.
- انصاری، سارا و همکاران (۱۳۹۰). «اختلال‌های شخصیتی و شیوه‌های رویارویی در زنان روسپی». *روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*. سال ۱۷. شماره ۱. ص ۷۱-۷۵.
- ایزدی، حسین؛ ضرغامی، افراسیاب (۱۳۹۳). «عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر پدیده روسپی‌گری در شهر شیراز». *توسعه اجتماعی*. دوره ۹، شماره ۱۰. ص ۲۲۷-۲۴۵.
- بیگی، جمال؛ یزدانی، حکیمه (۱۳۹۸). «نقش بزه دیده بر مسئولیت بزه‌کار در قانون مجازات اسلامی». *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، شماره ۳۹. ص ۱۴۱-۱۷۶.
- حاتمی‌نژاد، حسین و همکاران (۱۳۹۲). «تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از وقوع جرم و امنیت». *اطلاعات جغرافی سپهر*. دوره ۲۲، شماره ۸۷. ص ۶۸-۷۶.
- خواجه‌نوری، بیژن؛ خجسته، سعاد (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان سبک زندگی و بزهکاری جوانان (مطالعه موردی دانش آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز)». *توسعه اجتماعی*. دوره ۶، شماره ۳. ص ۴۹-۸۰.
- در محضر شیخ فضل‌الله نوری، اسناد حقوقی عهد ناصری (۱۳۸۵). به کوشش منصوره اتحادیه و سعید روحی. تهران: نشر تاریخ ایران.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱). *حیات یحیی*. تهران: عطار.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل و دیگران (۱۳۹۴). «نظریه خنثی سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی». *پژوهش حقوق کیفری*. سال ۳. شماره ۱۱. ص ۸۵-۲۵۴.
- سلیمی، صادق (۱۳۸۷). «مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران». *فصلنامه حقوق، مجله حقوق و علوم سیاسی*. دوره ۳۸، شماره ۴. ص ۲۳۹-۲۵۴.
- شهری، جعفر (۱۳۶۹). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- شهری، جعفر (۱۳۷۰). *طهران قدیم*. چاپ دوم. تهران: معین.
- صالح‌آبادی، ابراهیم؛ سلیمی، محسن (۱۳۹۱). «رابطه سبک زندگی جوانان و گرایش به مصرف مواد مخدر صنعتی در شهر شیروان». *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*. سال ۳. شماره ۶. ص ۵۷-۷۰.
- فرجیها، محمد؛ جوادی، حسین (۱۳۹۳). «مطالعه جرم‌شناختی تخلفات و فساد اداری (در میان کارکنان سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان)». *فصلنامه رفاه اجتماعی*. سال ۱۴. شماره ۵۴. ص ۲۴۳-۲۶۶.
- کلاتتری، صمد و دیگران (۱۳۸۴). «ارتباط فقر با قانون گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی». *فصلنامه رفاه اجتماعی*. سال ۵. شماره ۱۸. ص ۱۰۰-۱۳۸.
- کوهی کرمانی، ح (۱۳۲۴). *تاریخ تریاک و تریاکی در ایران*. تهران: علمی.

مرجان نکبگی مخلص آبادی: گونه‌شناسی و تحلیل جرایم در تهران با تکیه بر مجموعه کتاب «تاریخ اجتماعی ایران در قرن سیزدهم» ۲۱۷

جرم‌شناسی کلیات. دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۸۲-

۱۳۸۳

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). *تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی*. دانشگاه شهید بهشتی.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲). *تقریرات از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی* (دوره دکتری). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ جعفری‌زاده، فتاح؛ هادی تبار، اسماعیل (۱۳۹۴). «مطالعه انگیزه‌های مختلف قتل و عوامل مرتبط با آن در استان فارس از اول فروردین سال ۱۳۸۱ تا آخر اسفند سال ۱۳۹۰». *مجله پزشکی قانونی ایران*. دوره ۲۱. شماره ۳. ص ۱۸۹-۱۹۸.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۸۳). «جرایم مانع (جرایم بازدارنده)». *مدرس علوم انسانی*. دوره ۸. شماره پیاپی ۳۷. ص ۲۳-۴۸.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵). *جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم: درآمد ویراست سوم دانشنامه جرم‌شناسی*. تهران: گنج دانش.

نجفی توانا، علی (۱۳۸۹). *جرم‌شناسی*. چاپ ششم. تهران: آموزش و سنجش.

نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی‌خان (۱۳۶۲). *خاطرات و اسناد*. به کوشش معصومه مافی و دیگران. تهران: تاریخ ایران.

نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۳). «ماجراهای منع تریاک». *گنجینه اسناد*. دوره ۴. شماره ۴. ص ۱۶-۳۵

وروایی، اکبر؛ نیازخانی، مدتی؛ کلاکی، حسن؛ ترکامان، مهدی (۱۳۸۹). «عوامل خانوادگی مؤثر بر گرایش به ناهنجاری اجتماعی و راهکارهای پیشگیری از آن». *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*. سال ۵. شماره ۴. ص ۶۲۷-۶۴۹.

وینفری، توماس ال (۱۳۸۸). *نظریه‌های جرم‌شناسی*. ترجمه رضا افتخاری. گناباد: نشر مرندیز.

کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۲). *مبانی جرم‌شناسی*. تهران: دانشگاه تهران.

گسن، ریموند (۱۳۸۵). *جرم‌شناسی نظری*. ترجمه مهدی کی‌نیا. تهران: مجد.

مته، رودی (۱۳۹۸). *تفریحات ایرانیان، مسکرات و مخدرات از صفویه تا قاجاریه*. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: نشر نامک.

مته، رودی (۱۳۹۶). «تاریخ مصرف الکل در ایران دوره صفویه، قاجاریه و پهلوی». ترجمه الناز آبلو. *پژوهشنامه مطالعات علمی و راهبردی علوم انسانی و اسلامی*. جلد ۲. شماره ۱۱. ص ۸۱-۱۱۴.

محمدحسینی، سید محمد؛ قورچی‌بیگی، مجید (۱۳۹۴). «تحلیل بزه دیده‌شناختی جرایم یقه سفیدها». *پژوهش حقوق کیفری*. سال ۳. شماره ۱۰. ص ۹-۴۰.

مشکات، سید مصطفی (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی حیوان‌آزاری در نظام کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا»، *پژوهش‌های حقوق کیفری*. سال ۸. شماره ۲۹. ص ۱۷۳-۲۰۴.

مقدم، والتین (۱۳۹۵). «پنهان در تاریخ: زنان و نقش اقتصادی آنان در ایران عصر قاجار و پهلوی». ترجمه سیدحسن قریشی کرین و خدیجه پهلوانی. *تاریخ نو*. شماره ۱۶. ص ۷۹-۱۲۷.

مکنون، ثریا؛ عطایی آشتیانی، زهره (۱۳۸۴). «فمنیسم و روسپی‌گری». *مطالعات راهبردی زنان*. شماره ۲۸. ص ۲۱۲-۲۵۳.

مهدوی، شیرین (۱۳۹۳). «نگاهی به دوره طفولیت و کودکی در ایران دوره قاجار». ترجمه حسین احمدزاده نودیجه. *پیام بهارستان*. دوره ۲. سال ۶. شماره ۲۳. ص ۱۳۱-۱۶۱.

میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). *جرایم علیه اشخاص و تمامیت جسمانی*. تهران: نشر میزان.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲). *تقریرات درس*

- Barkan. Steven. E (2009). *criminology a sociological understanding*, 4th edition. pearson prentice.
- Becker. Gary. S (1968). *Crime and Punishment: The economic dimension of Crime: An Economic Approach*. palgrave, macmillan.
- Burke. Roger Hopkins (2009). *An Introduction to Criminological Theory*. 3th edition. Willan publishing.
- Lee. wang-sheng. guven. Cahit (2013). Engaging in Corruption: The Influence of Cultural Values and Contagion Effects at the Micro Level, *Journal of Economic Psychology*, vol.39. p.p 287-300.
- Marcum. Catherine. D. Ricketts. Mellisa. D. Higgins. George E. (2010). "Assessing sex experiences of online victimization: An examination of adolescent online behaviours using routine activity theory". *Journal of criminal justice review*, 35:423-455.
- Menezes. Sharon (2016). covering distance a though struggle :conceptualizing exiting prostitution ,social Bulletin, vol64, no.3. p.p.339-356.
- Rid, Sue Titus, (2003). *Crime and criminology*, 10th edition. Mc Graw-Hill, New York
- Skubak Tillyer. Marie. Eck. John E (2011), getting a handle on crime: a further extension on routine activities theory. *Security journal*. vol.24, 2, Macmillan publisher, p.p.179-193, available at: www.palgrave_Journals.com/sj/
- TN Young. Jacob. Carter, Rees (2013). *Social networks and delinquency in adolescence: Handbook of life course criminology*. Springer
- Wagenaar. Hendrik. Amesberger. Helga. Sietske. Altink (2017). *Designing prostitution policy*. Bristol University press.
- Weisburd. David. Lum. Cynthia. Yong. Sue Ming (2004). *criminal careers of places: a longitudinal study*. Report to .US .Department of justice, National Institute of Justice.